

ایران پس از انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان: تأثیرات و پیامدها

نویسندگان: علی خسرو شیری^۱ و مصطفی جوان^۲

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۳/۲۷

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۲ بهار ۱۳۸۸

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به باور بسیاری از اندیشمندان جهان، یکی از شگفت‌انگیزترین و تأثیرگذارترین انقلابات بزرگ در تاریخ سیاسی جهان بوده است. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ خاورمیانه بوده که بسیاری از رویدادهای سیاسی این منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است. پس از وقوع انقلاب اسلامی به مانند انقلابات بزرگ دیگر تاریخ، مسئله پخش، انتشار و صدور آموزه‌های انقلاب در کشورهای که آمادگی پذیرش را داشتند، مطرح شد. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از هر جای دیگر بر شیعیان لبنان به ویژه حزب الله لبنان تأثیر داشته است. بر مبنای نظریه پخش، حزب الله لبنان دارای محیطی همگرا- پذیرا با محیط جمهوری اسلامی ایران بوده، به همین دلیل از نظام جمهوری اسلامی ایران و آموزه‌های انقلاب اسلامی تأثیرپذیری شگرف داشته است. علاوه بر آنکه حزب الله لبنان از زمینه‌های لازم برای تأثیرپذیری از اصول، ایده‌ها و آرمانهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران برخوردار بود، جمهوری اسلامی ایران نیز از ابزارها و مجاری پخش برای پخش و اشاعه آموزه‌های خود در میان شیعیان لبنان به ویژه حزب الله لبنان تحت عنوان صدور انقلاب استفاده کرده است. هدف این پژوهش بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر حزب الله لبنان به عنوان مهم‌ترین جنبش اسلامی در سالهای اخیر، بر اساس نظریه پخش (اشاعه) می‌باشد.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران، نظریه پخش، صدور انقلاب، تشیع، حزب الله لبنان.

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

۲. کارشناس ارشد تاریخ.

مقدمه

انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از رویدادهای کم‌نظیر در جهان سده بیستم بود که در یکی از پرتلاطم‌ترین مناطق دنیا - خاورمیانه - به وقوع پیوست و شگفتی و تحیر تحلیلگران، دولتمردان و علاقه‌مندان به مسائل سیاسی را در برداشت. ایران نخستین انقلاب سیاسی «اسلامی» موفق را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلام و با شعار «الله اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت اسلام‌گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلام و بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهان تحت سلطه ابرقدرتها بود، محظوظ شدند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۹)

آموزه‌های جهانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران نشانگر آن بود که پیامدهای انقلاب اسلامی منحصر به مرزهای ایران نیست و توجه بسیاری از مردم و دولت‌های کشورهای در حال توسعه و اسلامی را به خود جلب خواهد کرد. با وجود آموزه‌های جهانی در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، طبیعی بود که این آموزه‌ها در چارچوب مرزهای ایران، ماندنی نباشد و به خارج از مرزهای ایران سرایت کند و به ویژه در میان کشورهای اسلامی و در میان شیعیان جهان بازتاب گسترده‌ای چه به لحاظ مخالفت با آن و چه به لحاظ پذیرش آرمانها و آموزه‌های آن داشته باشد. در میان جوامع اسلامی، حزب‌الله لبنان که مهم‌ترین جنبش اسلامی در دهه‌های اخیر بوده، از مهم‌ترین جوامعی است که تأثیری شگرف از آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته است. در این پژوهش سعی شده به این سؤال پاسخ داده شود که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر حزب‌الله لبنان داشته و این فرایند تأثیرگذاری چگونه انجام یافته است؟ فرضیه پژوهش عبارت است از: «آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین عامل تشکیل حزب‌الله لبنان بوده و تأثیر شگرفی بر این گروه شیعی داشته است. این تأثیرگذاری هم به دلیل محیط همگرا - پذیرا در حزب‌الله و هم به دلیل تلاش نظام جمهوری اسلامی ایران برای صدور انقلاب و صدور آموزه‌های جمهوری اسلامی بوده است». متغیر مستقل پژوهش «انقلاب اسلامی

و نظام جمهوری اسلامی ایران» و متغیر وابسته «حزب الله لبنان» است که سعی می‌شود بر اساس نظریهٔ پخش به بوتۀ تحلیل و بررسی گذاشته شوند.

چارچوب نظری: نظریهٔ پخش^۱

«نظریهٔ پخش» یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست. هر چند خاستگاه اولیهٔ این نظریه در رشتهٔ جغرافیای انسانی است، اما در موضوعات رشتهٔ علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز کمابیش به کار رفته است. (برزگر، ۱۳۸۶، ص ۳۹)

اشاعه یا پخش عبارت است از فرایندی که طبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصهٔ یک جامعه است، در جامعهٔ دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. (پانوف و پارون، ۱۳۶۸، ص ۱۱۳)

نظریهٔ پخش یا اشاعه در سال ۱۹۵۳ از سوی هاگر استرنند (Hager Strand)، جغرافی‌دان سوئدی ابداع و عرضه شد. هر چند نقطهٔ آغاز کاربرد این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، اما کاربرد آن به سایر عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز تسری یافت. این نظریه، قدرت تبیین و توضیح هر گونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوهٔ گسترش و مجاری پخش آن و هم علل توقف و گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۶، ص ۴۱). همچنین نظریهٔ پخش، توانایی تحلیل چگونگی و چرایی اشاعه و انتشار ایده‌ها و آموزه‌های انقلابات به بیرون از مرزها را داراست و در این زمینه به کار رفته است. به عنوان نمونه، این نظریه در مورد چگونگی و چرایی سرایت ایده‌های انقلابات بزرگ نظیر انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب روسیه و... به نقاط دیگر جهان به کار رفته است.

هاگر استرنند مبدع این نظریه، چند نوع پخش را مشخص کرده (نقل از: جردن و راوتتری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳-۱۶۰) که عبارتند از:

۱. Diffusion. برای این واژه، معانی دیگری نظیر انتشار، تراوش و اشاعه نیز به کار رفته است.

۱. **پخش جابجایی (Relocation Diffusion):** در این نوع، لازمهٔ پخش، یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ، انتقال فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. پخش جابجایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایدهٔ مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. برای مثال، مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی گسترش یافته‌اند که این نوعی پخش جابجایی بوده است. مهاجرت مسیحیان اروپایی به آمریکا نیز نمونه‌ای از این پخش است. کل فرایند استعمار اروپاییان از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۵۰م، از نوع پخش جابجایی بوده است. به نظر می‌رسد الگوی پخش غالب در دوره‌های گذشته، پخش جابجایی بوده، اما با اختراع و رواج پدیده‌های جدید ارتباطی، این الگوی تا حدود بسیار زیادی کم‌رنگ شده است.

۲. **پخش سلسله‌مراتبی (Hierarchic Diffusion):** در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد. در این فرایند، پخش و اشاعهٔ کالاها یا عقاید و ایدئولوژی از پایتخت به شهرهای بزرگ، میانی، کوچک و روستاها به صورت سلسله‌مراتبی انجام می‌شود. همچنین در این نوع پخش، نوآوری‌ها ابتدا به اشخاص مهم، شهیر و مقبول در جامعهٔ مقصد منتقل شده و از طریق آنان در میان مردم انتشار می‌یابد. در واقع؛ این افراد حامل و مبلغ نوآوری‌ها در میان مردم جامعه خود می‌شوند.

۳. **پخش سرایتی یا واگیردار (Contagious Diffusion):** این نوع پخش در مقابل پخش سلسله‌مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد، مانند اشاعهٔ بیماری‌های مسری؛ چون در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرایند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد. بنابراین، افراد و نواحی نزدیک، نسبت به افراد و نواحی دوردست احتمال تماس بیشتری دارند (برزگر، ۱۳۸۶، ص ۴۵). مقصود از فاصله در این نوع پخش، فقط فاصلهٔ جغرافیایی نیست، بلکه فواصل و اختلافات فرهنگی، مذهبی و عقیدتی را نیز در بر می‌گیرد. بدین

صورت که در پخش و انتشار ایده‌ها و عقاید، جوامعی که اشتراکات فرهنگی، مذهبی و عقیدتی بیشتری با جامعه مبداء دارند، بیشتر و سریع‌تر در معرض پخش و انتشار قرار می‌گیرند.

دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی از نوع پخشهایی هستند که سرعت انتشار بالایی دارند. در این دو نوع پخش، افکار و اندیشه‌ها و مفاهیمند که از سرزمین میزبان به سرزمین مهمان و جدید هجرت می‌کنند و چون هجرت فیزیکی نیست، دارای سرعت انتشار بالایی است.

هاگر استرنند شش عامل را در این نظریه مهم می‌داند (نقل از: شکویی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۶-۳۰۵) که عبارتند از:

۱. **حوزه یا محیط جغرافیایی:** این محیط می‌تواند محیط پذیرا - همگرا یا محیط ناپذیرا - واگرا باشد. منظور از محیط پذیرا - همگرا؛ تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا - واگرا؛ تفاوتها، اختلافات و شکافهای مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی است.

۲. **زمان:** عاملی است که می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود.

۳. **موضوع پخش:** موضوع پخش ممکن است امراض واگیردار نظیر وبا و...، نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک نظیر بذرهای اصلاح شده یا تلویزیون، کامپیوتر و ماهواره یا پدیده‌های فیزیکی - فرهنگی نظیر مبارزات انقلابی باشد.

۴. **مبداء پخش:** مکانهایی است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیامها و ارزشها هستند.

۵. **مقصد پخش:** مکانهایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به آنها می‌رسد.

۶. **مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبداء به مقصد:** فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی - اقتصادی مسئله‌ای مهم در ارتباط پدیده‌هاست.

علاوه بر موارد فوق، عوامل دیگری را نیز می‌توان در این نظریه مشخص کرد که تأثیرگذار هستند؛ نظیر سرعت انتشار و عوامل مؤثر بر آن، موانع و مرزها و امواج رقیب که در بررسی پخش نوآوری مهم هستند و همچنین پیش‌بینی اثرات پخش و مضر یا مفید بودن آن از دید طرفهای درگیر و نیز اقدامات مقابله‌ای. (شکوئی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۳)

در چارچوب نظریه پخش، عوامل مختلفی باعث کاهش پخش می‌شوند (نقل از: بزرگر، ۱۳۸۶، ص ۴۸-۴۷) که عبارتند از:

۱. **مسافت:** دوری و نزدیکی جامعه مقصد نسبت به جامعه مبدا در میزان پخش تأثیرگذار است. بر این اساس، میزان پذیرش و نوآوری‌های فرهنگی با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. ابداعات و نوآوری‌ها به طور عمیق‌تر و نافذتری در نزدیک‌ترین نقطه به مبدا پذیرفته خواهند شد و با دور شدن از آن کاهش می‌یابند.
۲. **زمان:** گذشت زمان نیز در این راستا عامل مهمی تلقی می‌شود؛ زیرا انتشار و پخش نوآوری به نقطه دورتر مستلزم صرف زمان بیشتری است. چرا که تعداد پذیرندگان با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. بنابر این، میزان پذیرش نیز با افزایش زمان کاهش می‌یابد و هر چه از زمان وقوع حادثه و نوآوری فاصله بگیریم، یا هر چه از مکان وقوع نوآوری دورتر شویم، قدرت تسری و تأثیرگذاری آن نیز کاهش می‌یابد.
۳. **موانع تراوش:** علاوه بر ضعف و کاهش طبیعی ابداعات و نوآوری‌ها به دلیل افزایش زمان - مسافت، سدها و موانع نیز موجب توقف یا کندی روند پخش نوآوری می‌شوند یا پیشرفتهای بعدی را متوقف می‌سازند. در غالب موارد، مرزها نفوذپذیرند؛ بدین معنی که اجازه پخش برخی امواج ابداعات و نوآوری‌ها را می‌دهند، لیکن در جهت تضعیف و توقف آن نیز می‌کوشند.

کاربرد نظریه پخش در انقلاب اسلامی ایران

نظریه پخش در مورد پخش و اشاعه ایده‌ها و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران در کشورهای مسلمان، به ویژه در میان حزب الله لبنان، قابل کاربرد می‌باشد. مبدا پخش در

این پژوهش، ایران پس از انقلاب و حوزه مقصد پخش، جامعه لبنان به ویژه حزب الله است. این حوزه پخش محیط پذیرا - همگرا با محیط ایران بوده است. منظور از محیط پذیرا - همگرا؛ تجانس فکری، فرهنگی، دینی و اجتماعی است. هم‌مذهب بودن هم عامل اشاعه‌دهنده و هم عامل شتاب‌دهنده پخش ایده‌هاست. در واقع؛ یکی از کارکردهای مذهب، آن است که سرعت اشاعه رفتارها را در بین هم‌مذهبیون شتاب غیر قابل تصویری می‌بخشد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۸۸)

موضوع پخش در انقلاب اسلامی ایران طیف متنوع و وسیعی را در بر می‌گیرد که عبارتند از: لباس و پوشاک، نظیر استفاده از چادر؛ حضور بیشتر در مساجد و رونق آنها؛ حرکات سیاسی در مساجد؛ تأسیس سازمانهای مذهبی و مبارز؛ فعال شدن سازمانهای قبلی؛ جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان‌نشین؛ الهام‌گیری از تاکتیکهای مبارزات انقلاب اسلامی؛ بیان مطالبات اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی؛ بیداری اسلامی و اعتماد به نفس سیاسی؛ ترویج و شیوع ایده مبارزه با رژیم صهیونیستی؛ ایده وحدت مسلمانان، اسلام راه حل مبارزه و زندگی، وحدت شیعه و سنی، ایجاد جامعه اسلامی و دولت اسلامی. شاید برای همه موارد ذکر شده بتوان یک نام را برگزید و آن «اسلام سیاسی» است. (برزگر، ۱۳۸۶، ص ۶۲)

همچنین برای اشاعه و پخش ایده‌ها، اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران در میان شیعیان لبنان طبق نظریه پخش، مسیرها و ابزارهایی به کار رفته که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

علاوه بر موارد فوق، انواع پخش جابجایی، سلسله‌مراتبی و سرایتی در زمینه پخش ایده‌ها، اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی در میان شیعیان لبنان به ویژه حزب الله صورت گرفته است. در ادامه و در طول پژوهش با استفاده از نظریه پخش و اصول آن، چگونگی پخش و اشاعه ایده‌ها، اندیشه‌ها و آرمانهای انقلاب اسلامی در میان حزب الله بررسی می‌شود.

زمینه‌های اثرپذیری حزب‌الله لبنان از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در میان شیعیان لبنان به ویژه حزب‌الله لبنان، زمینه‌ها و ویژگی‌هایی وجود داشته که آن را مساعد و مستعد تأثیرپذیری از آرمانها و آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران کرده است که عبارتند از: زمینه‌های مذهبی، زمینه‌های فرهنگی، زمینه‌های سیاسی، زمینه‌های اقتصادی و زمینه‌های نظامی. در میان موارد مذکور، زمینه‌های مذهبی و فرهنگی از نوع پخش سرایتی یا واگیردار است که طبق آن نزدیکی‌ها و اشتراکات مذهبی و فرهنگی میان جوامع مبدء و مقصد، در اشاعه و پخش ایده‌ها، اصول و اعتقادات نقش مهمی دارند.

الف) زمینه‌های مذهبی

یکی از کارکردهای مذهب آن است که سرعت اشاعه و پخش رفتارها و اندیشه‌ها را در میان هم‌مذهبیون شتاب غیر قابل تصویری می‌بخشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۸۸). بنابراین، طبق این اصل، اشتراک مذهبی ایرانیان با حزب‌الله لبنان، نقش مهمی در اثرپذیری از ایده‌ها و اصول انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی داشته است.

حزب‌الله لبنان با جمهوری اسلامی ایران اشتراک عقیدتی و مذهبی دارد. به لحاظ تاریخی ارتباط بین شیعیان ایران و لبنان، به زمان سلسله صفویه بازمی‌گردد که پادشاهان آن از علمای شیعه جبل عامل طلب راهنمایی کردند. در پس این دعوت، تعدادی از علمای شیعه جبل عامل به ایران سفر کرده، به آموزش مذهبی مشغول شدند.

در سالهای قبل از انقلاب اسلامی ایران، روحانیون جوان زیادی در نجف تحصیل می‌کرده‌اند که این افراد در آنجا با اندیشه‌های امام خمینی (ره) آشنا و بعدها در لبنان از مروّجان اندیشه‌های ایشان شدند. افرادی نظیر ابراهیم حسن، عباس موسوی، سید حسن نصرالله، صبحی طفیلی، راغب حرب - که در سال ۱۹۸۴ به شهادت رسید - در دهه ۱۹۷۰ در نجف تحصیل می‌کردند و بعدها از رهبران شاخص حزب‌الله

شدند. (نورتون، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴)

بنابر این، نجف مرکز آموزش مذهبی، به قلب ایدئولوژیکی تفکر اسلام شیعی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تبدیل شده بود. در آنجا امام خمینی (ره) حضور داشت که ایده‌ها و نظریه‌هایی را مطرح کرده بود که بعدها و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، اساس حکومت اسلامی پس از انقلاب را تشکیل داد. (Jaber, 1997, p.20)

پس از انقلاب و با استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران، به تدریج طلاب لبنانی در ایران افزایش یافتند. این روحانیون، انتقال‌دهنده مذهب شیعی انقلابی ایران به شیعیان لبنانی شدند. (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۶۴)

در واقع؛ علاقه و نزدیکی مستحکمی بین جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان از لحاظ ایدئولوژیکی و تاریخی وجود داشته است. هم‌مذهب بودن هم عامل اشاعه‌دهنده و هم عامل شتاب‌دهنده در پخش ایده‌ها، اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در میان حزب‌الله لبنان بوده است. این اشتراک مذهبی، حوزه و محیط حزب‌الله را به محیط پذیرا - همگرا با محیط ایران پس از انقلاب بدل کرده بود.

ب) زمینه‌های فرهنگی

شیعیان لبنان قرن‌هاست که با مردم ایران پیوندی عمیق و ارتباطی اساسی و ریشه‌ای دارند. ۵ یا ۶ قرن قبل، عده‌ای از ایرانیان که تاجر و بازرگان بودند در بعلبک مقیم شدند و به کار تجارت پرداختند. رابطه تجاری و بازرگانی میان ایران و لبنان سالها ادامه یافت و ایرانیان و شیعیان لبنان با یکدیگر در ارتباط بودند. این آمیختگی فرهنگی سالهای سال میان ایرانیان و شیعیان لبنان ادامه یافته است.

پس از دولت صفویه، میان علمای شیعه ایران و لبنان و همچنین میان مردم این دو سرزمین، روابط فرهنگی پایداری وجود داشته است. اشتراکات و تشابهات مذهبی، سبک زندگی و شیوه رفتاری این ارتباطات را بیشتر می‌کرده است.

قبل از انقلاب اسلامی، ایرانیان و انقلابیون زیادی در لبنان حضور داشتند و در محیط آزاد آن به فعالیتهای سیاسی - اجتماعی می‌پرداختند. مهم‌ترین این افراد عبارتند از: امام

موسی صدر، دکتر مصطفی چمران، شهید محمد منتظری، سید احمد خمینی، صادق طباطبایی، جلال‌الدین فارسی و... حضور این افراد و فعالیت‌های آنان در میان شیعیان لبنان، آنان را بیشتر با فرهنگ ایرانی و افکار و اندیشه‌های انقلابی ایرانی آشنا می‌کرد. همچنین باید ذکر کرد که قرابت‌های فرهنگی موجود میان ایرانیان و شیعیان لبنان بود که منجر به تمایل ایرانیان برای حضور در لبنان و همچنین پذیرش شخصیت‌های ایرانی در میان شیعیان لبنان شده بود. این اشتراکات و نزدیکی‌های فرهنگی به مانند اشتراک مذهب، محیط شیعیان لبنان به ویژه حزب‌الله را به محیط پذیرا - همگرا با محیط ایران بدل کرده بود.

ج) زمینه‌های سیاسی

نظام جمهوری اسلامی بوده است. عوامل سیاسی متعددی زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی را فراهم کرده بودند که عبارتند از:

۱. **نظام طایفه‌ای لبنان:** در طول تاریخ لبنان، شیعیان همواره مورد ظلم و ستم واقع شده بودند. در دوران بنی‌امیه، بنی‌عباس و سلطه عثمانی‌ها و همچنین سلطه فرانسه بر لبنان و در نهایت در نظام طایفه‌ای لبنان به شیعیان ظلم می‌شده است. (Olmert, 1987, p.6)

پس از جنگ جهانی اول و تسلط فرانسه بر لبنان، تمام ابعاد قدرت نظیر قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی در اختیار مسیحیان مارونی قرار گرفت. بر اساس نظام سیاسی لبنان که بر اساس قانون اساسی ۱۹۲۶ و میثاق ملی ۱۹۴۳ بود، قدرت میان سه طایفه اصلی مسیحیان مارونی، سنی‌ها و شیعیان به طور نابرابر تقسیم شده بود. بر این اساس، بیشترین قدرت در اختیار مسیحیان مارونی و سپس سنی‌ها قرار داشت. معیار این تقسیم‌بندی بر اساس آمار سرشماری سال ۱۹۳۲ بود که جمعیت بیشتر به ترتیب در اختیار مسیحیان مارونی، اهل سنت و شیعیان بود. ولی با گذشت زمان، نسبت جمعیتی لبنان دچار تغییرات شگرفی شده بود و شیعیان لبنان نسبت به مسیحیان مارونی و اهل سنت جمعیت بیشتری را دارا شده بودند، ولی تقسیمات سیاسی قدرت دست نخورده باقی مانده بود. بنابر این،

شیعیان از نظام طایفه‌ای لبنان و تقسیمات قدرت که سالها قبل صورت گرفته بود، متضرر می‌شدند و ظلم و ستم روا داشته‌شده به خود را به صورت ملموس و محسوس حس می‌کردند.

علاوه بر ظلم و ستم نظام طایفه‌ای به شیعیان لبنان، پس از جنگ جهانی دوم طایفه‌های مذهبی مختلف از سوی قدرتهای خارجی حمایت می‌شده‌اند. در این میان فقط شیعیان لبنان بودند که هیچ‌گونه حامی خارجی نداشتند. پس از جنگ جهانی دوم، سنی‌ها از سوی کشورهای عرب و مسیحیان مارونی از سوی غرب حمایت می‌شدند. این امر سبب شده بود که شیعیان لبنان خواهان کسب حمایت کشوری شیعی باشند. بنابر این، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه شیعیان لبنان متوجه انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران شد. نظام طایفه‌ای بدون در نظر گرفتن واقعیتهای اجتماع لبنان و ساخت جمعیتی آن، در حق شیعیان ظلم و اجحاف روا داشته بود. پس طبیعی بود که شیعیان لبنان به ویژه حزب‌الله مستعد پذیرش اندیشه‌های مساوات‌طلبانه، عدالت‌طلبانه و همچنین ظلم‌ستیزانه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران باشند.

۲. ظلم و اجحاف طبقه زعما به شیعیان لبنان: در نیمه دوم قرن نوزدهم بر اثر اصلاحات ارضی صورت گرفته توسط عثمانی‌ها، گروه کوچکی از شیعیان لبنان که اراضی وسیعی را به دست آورده و به طبقه زعما (اشراف) معروف شده بودند، بر مناطق شیعه‌نشین حاکم شدند. (Buheiri, 1981, p.121-122)

در لبنان علاوه بر آنکه حکومت، شیعیان را نادیده می‌گرفت، فتوایهای شیعه (طبقه زعما) نیز به شیعیان کم توجهی می‌کردند. رهبران زمیندار شیعه در جستجوی شخصی قدرت بوده و نسبت به رفاه اجتماعی جامعه شیعه حساسیتی نداشتند. بنابر این، شیعیان علاوه بر آنکه حقیقتاً فاقد نمایندگی بودند - طبقه زعما که داعیه نمایندگی سیاسی جامعه شیعه را داشت، بیشتر به دنبال منافع شخصی و طبقه‌ای خود بودند - بلکه فاقد نیازهای زندگی مدرن نظیر مدرسه، بیمارستان، جاده و آب بودند و در مقایسه با سطوح رفاه و رونق سنی‌ها و مسیحیان، از استانداردهای زندگی قدیمی تری برخوردار بودند. (Jaber, op cit, p. 10-11)

بنابر این، یأس و ناامیدی شیعیان محروم لبنان از هم‌مسلمانان ثروتمند و زمیندار خود، نگاه و امید آنها را به سوی گروه و تفکر جدیدی جلب کرده بود. لذا فعالیت‌های اسلامگرایانی نظیر امام موسی صدر و جلب اعتماد شیعیان به این گروه، زمینه مساعدی برای توجه به انقلاب اسلامی ایران فراهم کرده بود. در واقع؛ فعالیت‌های امام موسی صدر باعث شده بود که شیعیان لبنان به ماهیت واقعی رهبران سنتی شیعیان (طبقه زعما) پی برده و همچنین به توانایی اندیشه مذهب شیعه در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پی ببرند.

۳. مسئله فلسطین: پس از فاجعه سال ۱۹۴۸ و تشکیل رژیم صهیونیستی، صدها هزار فلسطینی آواره شدند و به سرزمینهای مجاور و همسایه مهاجرت کردند. جنوب لبنان - که عمدتاً محل سکونت شیعیان است - محلی برای سکونت مهاجران فلسطینی شد. بنابر این، شیعیان از نزدیک با درد و رنجهای مسلمانان فلسطینی آشنا شدند و نفرت آنان از دولت صهیونیستی دو چندان شد. همچنین حملات مکرر صهیونیستها به فلسطینی‌هایی که در جنوب لبنان مستقر بودند که در نتیجه آن علاوه بر فلسطینی‌ها بسیاری از شیعیان جنوب لبنان نیز به شهادت می‌رسیدند، تنفر و دشمنی شیعیان لبنان را با صهیونیستها افزون‌تر می‌ساخت. این موارد باعث شده بود که در میان شیعیان لبنان به ویژه حزب‌الله، همچون فلسطینی‌ها، زمینه مناسبی برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران که مبارزه با صهیونیستها و دفاع از آزادی قدس از شعارها و اصول محوری آن بود، فراهم شود.

۴. سیاسی شدن شیعیان توسط امام موسی صدر و جنبش امل: پیش از حضور امام موسی صدر در لبنان و در نبود احزاب شیعی، بسیاری از شیعیان، احزابی را که تغییرات انقلابی بیشتری را نسبت به سیستم سیاسی مطرح می‌کردند، انتخاب می‌کردند. به این دلیل بسیاری از احزاب چپ رادیکال عضویت بیشتری از شیعیان را داشتند. (Shanahan, 2005, p.175)

امام موسی صدر پس از حضور در لبنان با نگرانی از این وضعیت و با مشاهده ناتوانی طبقه زعما در جذب جوانان شیعه و جلوگیری از جذب شیعیان به احزاب چپ و قومی، تشکیلات سیاسی، اجتماعی و مذهبی متعددی را ایجاد کرد. وی در سال ۱۹۶۷، مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان؛ در سال ۱۹۷۲، تشکیلات سیاسی - اجتماعی

حرکت المحرومین و در سال ۱۹۷۵، جنبش امل (گردانهای مقاومت لبنانی) را بنیان گذارد. وی همچنین در کنار این تشکیلات سیاسی - اجتماعی، تشکیلات مذهبی، اجتماعی و آموزشی نظیر معهد الدراسات (مؤسسه مطالعات اسلامی)، مدرسه جبل عامل، جمعیت بیت الفتاه و جمعیت البر والاحسان (جمعیت نیکی و احسان) را ایجاد کرد. او با ایجاد این تشکیلات در پی رفع مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان و کل محرومان لبنان بود. بنابر این، با فعالیتهای امام موسی صدر و جنبش امل، شیعیان لبنان قبل از انقلاب اسلامی، سیاسی شده بودند و تشکیلات مستقل سیاسی - اجتماعی داشتند و با بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی - سیاسی جامعه شیعه آشنا بودند. رشد آگاهی سیاسی - اجتماعی شیعیان، زمینه مناسب و مساعدی جهت جذب افکار و اندیشه‌های انقلابی امام خمینی (ره) فراهم کرده بود.

در سال ۱۹۷۹، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یک نهاد فرهنگی تحت عنوان کمیته حمایت از انقلاب اسلامی شکل گرفته بود. این کمیته تظاهرات گسترده مردمی را در حمایت از انقلاب ایران پیش از پیروزی ترتیب می‌داد که نشانگر سیاسی شدن شیعیان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. سیدحسین موسوی (ابوهشام) یکی از رهبران حزب الله در زمینه تأثیر فعالیتهای امام موسی صدر می‌گوید:

من معتقدم که اگر امام موسی صدر مردم لبنان را بیدار و آماده نکرده بود، آنها هیچ وقت دعوت امام خمینی (ره) را استجابت نمی‌کردند. آنها نه تنها چنین کردند، بلکه قبل از پیروزی انقلاب نیز با آن همدل و همگام بودند... ما از اول با انقلاب و در کنار آن بودیم؛ یعنی هم در زمان امام صدر و هم بعد از آن در مسیر انقلاب اسلامی قرار داشتیم. حرکت امام موسی صدر، برنامه‌ها و اقدامات ایشان، مردم لبنان را آماده نمود تا با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) همگام و همراه شوند. حرکت، افکار و اندیشه‌های آن بزرگوار هنوز هم بر حرکت سیاسی شیعیان لبنان و مقاومت اسلامی که امروز در حزب الله تبلور یافته است، تأثیر

دارند. (نقل از: کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۷۷، ص ۴۷)

۵. سکولاریزه شدن جنبش امل پس از ناپدید شدن امام موسی صدر: پس از ناپدید شدن امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸، مسئولیت جنبش امل به عهده حسین الحسینی افتاد و پس از وی در سال ۱۹۸۰، نبیه برّی جانشین وی شد. نبیه برّی سیاستهای محتاطانه و محافظه کارانه‌ای در پیش گرفته بود. سکولاریزه کردن، رویکرد متداولی بود که نبیه برّی و امل در ارتباط با منافع در حال گسترش شیعه در چارچوب لبنان اتخاذ کرده بود و این سیاست مورد قبول اعضای مذهبی جنبش امل نبود. از جمله این سیاستها، حضور نبیه برّی در کمیته نجات ملی بود که بشیر جمیل در آن حضور داشت. عناصر مذهبی امل، این کمیته را کمیته آمریکایی می‌نامیدند و به نبیه برّی توصیه کرده بودند در آن شرکت نکنند. اعضای مذهبی امل، شرکت نبیه برّی در کمیته نجات ملی را انحراف از خط سیاسی - اسلامی امام موسی صدر می‌دانستند. یکی از مخالفان اصلی این طرح سید حسین موسوی (ابوهشام) نایب رئیس جنبش امل بود که شرکت نبیه برّی در کمیته نجات و همچنین تصمیمات آن را مخالف با مبانی فکری و دیدگاههای اولیه جنبش و همچنین مخالف با تصمیمات چهارمین کنگره تفسیر کرد. وی معتقد بود که هیئت نجات تحت نظارت آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفته و شرکت نبیه برّی در آن غیر اسلامی است. اعضای مذهبی جنبش امل پس از شرکت نبیه برّی در هیئت نجات، از رهبر جمهوری اسلامی ایران مشورت خواستند که پاسخ ایشان این بود: «انقلاب اسلامی مشارکت در هیئت نجات را رد می‌کند». (شراره، ۱۹۹۸، ص ۱۲۷)

بنابر این، سیاستهای غیر مذهبی نبیه برّی، اعضای مذهبی جنبش امل و جامعه شیعه لبنان را مأیوس کرده، سبب شد آنها مسیر دیگری را برای فعالیتهای سیاسی - اجتماعی خود برگزینند. برخی از مسئولان جنبش امل چون سیدحسن نصرالله، شیخ صبحی طفیلی، شیخ محمد یزیک، شیخ حسین خلیل، شیخ نعیم قاسم، محمد رعد، سیدعباس موسوی، سید ابراهیم امین السید و بالاخره سیدحسین موسوی از جنبش امل کناره‌گیری

۱. در کنگره چهارم جنبش در مارس ۱۹۸۲، جنبش امل خود را جزیی جدایی‌ناپذیر از انقلاب اسلامی اعلام کرده بود.

کردند (غریب، ۱۳۸۴، ص ۲۸-۲۷). در نتیجه، سیاست‌های غیر مذهبی نبیه بری و جنبش امل، زمینه را برای تأثیر گذاری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران که خواهان مشارکت فعالانه اسلام و مذهب در سیاست بود، هر چه بیشتر مهیا و آماده کرد و باعث شد اعضای مذهبی جنبش امل که به شدت تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بودند، به یکی از هسته‌های اصلی تشکیل دهنده حزب الله تبدیل شوند.

د) زمینه‌های اقتصادی

در طول تاریخ لبنان، جامعه شیعه محروم‌ترین و مستضعف‌ترین طایفه بوده است. پس از اعلام استقلال لبنان در سال ۱۹۴۶ و حاکمیت نظام طایفه‌ای، وضع شیعیان بسیار وخیم و ناراحت‌کننده بود. آنان شهروندان درجه سوم - پس از مسیحیان و اهل تسنن - به حساب می‌آمدند، همه کارهای کم‌درآمد و پست به عهده شیعیان بود. مناطق آنان فقیرترین و محروم‌ترین قسمت‌های لبنان و سرنوشت آنان سیاه‌ترین سرنوشتها به شمار می‌رفت و فرهنگ و امکانات رشد برای شیعیان به حداقل تقلیل یافته بود. به همین دلیل، عده زیادی از شیعیان لبنان مهاجرت کرده و در کشورهای به خصوص آفریقایی به کار و کاسبی می‌پرداختند (چمران، ۱۳۶۲، ص ۳۳). همچنین بسیاری از روستاییان به دلیل محرومیت‌های اقتصادی و نبود شغل و با امید به یافتن کار مناسب و تأمین حداقل مایحتاج و امید به بهتر شدن زندگی به محله‌های فقیرنشین پیرامون بیروت مهاجرت کرده بودند. مارتین کرامر در کتاب «بنیادگرایی» در مورد جایگاه شیعه قبل از پیدایش حزب الله می‌نویسد: در سال ۱۹۴۶ که لبنان استقلال یافت، شیعیان به صورت کنیززادگان تحقیر شده‌ای درآمدند که در کشوری زیر حاکمیت مسیحیان مارونی و مسلمانان سنی و در خدمت به منافع ویژه آنها روزگار می‌گذراندند. (میرباقری، ۱۳۸۲، ص ۴۷)

پس از استقلال لبنان، منطقه جبل عامل به دلیل ضعف و عقب ماندگی به «الجنوب»، شهرت داشت. بیماری، بی‌سوادی، فقر و تشنگی سهم این منطقه بود که عمدتاً شیعیان در

آن سکونت دارند. از لحاظ برق، جاده، مدرسه، بیمارستان، پزشک و حتی تلفن نیز به مراتب عقب افتاده تر از سایر نواحی لبنان بود. (المرت، ۱۳۶۸، ص ۲۶۶)

به تدریج با گذشت زمان و افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی شیعیان در کنار کمبودها و ضعفهای اقتصادی و همچنین آگاهی از زندگی مرفه و غربی هم‌تایان مسیحی و سنی آنها (طایفه‌های مسیحی و اهل سنت)، توقعات و انتظارات آنان را افزایش داده و آنان را مستعد پذیرش افکار و اندیشه‌های عدالت‌طلبانه و مساوات‌طلبانه کرده بود.

ه) زمینه‌های نظامی

لبنان پس از استقلال، به دلیل ساخت طایفه‌ای آن، ناعادلانه بودن تقسیم قدرت و همچنین مجاورت در کنار مرزهای رژیم غاصب صهیونیستی، همواره در معرض دو گونه تهدید امنیتی بوده که عبارتند از:

۱. تجاوزهای مکرر صهیونیستها به خاک لبنان: پس از تشکیل دولت غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، همواره لبنان به دلیل حضور آوارگان فلسطینی، مورد هجوم صهیونیستها بوده است. از پیامدهای تجاوز صهیونیستها به لبنان، کوچ دسته‌جمعی ساکنان جنوب بر اثر نابودی مزارع و محصولات کشاورزی و محاصره اقتصادی منطقه از سوی نیروهای صهیونیست بود. بدین ترتیب مهاجرت گسترده ساکنان جنوب بر حجم بیچارگی و آوارگی شیعیان افزود و مناطق شیعه‌نشین را به پایگاه وسیعی برای گروههای جنگجوی شیعه درآورد و حتی بعضی از پناهندگان و آوارگان شیعه به سکونت در اردوگاههای آوارگان فلسطینی مجبور شدند؛ به گونه‌ای که شمار آوارگان شیعه در یکی از این اردوگاهها بیشتر آوارگان فلسطینی بود.

بر اثر اختلاط شیعیان لبنان با آوارگان فلسطینی، قریب یک چهارم قربانیان کشتارهای صبرا و شتیلا که در سال ۱۹۸۲ توسط مزدوران صهیونیست - فالانژیستها - صورت گرفت، از شیعیان بودند. علاوه بر این ماجرای دردناک، رخداد پلید دیگری که به دست صهیونیستها انجام گرفت، اهانت به دسته‌های عزادار شیعه در روز عاشورا در شهر نبطیه در سال ۱۹۸۳ بود که بر آتش خشم و کینه شیعیان افزود. (سويد، ۱۳۷۹، ص ۲۶)

بنابر این، تجاوزهای پی در پی صهیونیستها به لبنان و آوارگی های شیعیان این کشور، زمینه مناسبی را برای دیدگاههای ضد صهیونیستی و همچنین فرهنگ شهادت طلبی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده بود.

۲. **جنگ داخلی لبنان:** در سال ۱۹۷۵ نظامیان مسیحی با فلسطینی هایی که در لبنان حضور داشتند و مورد حمایت مسلمانان لبنان بودند، درگیر شدند و جنگ داخلی ۱۵ ساله لبنان آغاز شد (Jaber, op cit, p.12). در این جنگ که در یک طرف آن اتحاد مسیحیان راستگرای افراطی و در طرف دیگر آن، اتحاد مسلمانان، چپگرایان و ملی گرایان قرار داشت، دهها هزار کشته و مجروح به جای گذاشت و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ (زمان امضای توافق طائف) ادامه یافت. (اصل رکن آبادی، ۱۳۸۷/۲/۱۶)

در واقع؛ جنگ داخلی لبنان و بی نظمی ها و در هم ریختگی های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن که شیعیان لبنان را در تنگنا قرار داده بود، زمینه مناسبی برای آموزه های انقلاب اسلامی فراهم کرده بود. در دوران جنگ داخلی لبنان، شیعیان لبنان به احزاب چپ و قومی عربی بی اعتماد شده بودند و به دنبال اندیشه ای ثبات بخش، آرامش بخش و صلح طلب بودند که در سایه آن زندگی کنند. اصول، آرمانها و آموزه های انقلاب اسلامی پاسخگوی این خواسته های شیعیان محروم و خسته و زخم دیده از جنگ داخلی بود. بنابر این، طبیعی بود که در این شرایط، شیعیان به ویژه حزب الله لبنان، پذیرای آموزه های آرامش بخش و ثبات بخش انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و رهنمودهای امام خمینی (ره) شوند.

ابزار جمهوری اسلامی ایران جهت اثرگذاری بر حزب الله لبنان

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی مانند سایر انقلابات بزرگ تاریخ، نظیر انقلاب لیبرالی فرانسه (۱۷۸۹) و انقلاب کمونیستی روسیه (۱۹۱۷)، با پیامد قهری انقلابات؛ یعنی صدور انقلاب مواجه شد. پس از هر انقلابی، انقلابیون خواهان صدور ارزشها و آرمانهای انقلابی خود به سراسر جهان و به خصوص مناطق اطراف و دارای خصوصیات

فرهنگی مشترک هستند تا آن کشورها را نیز از شر پلیدی، ظلم و مشکلات رهایی دهند. در واقع؛ صدور انقلاب، مهم‌ترین مسیر و ابزار پخش و اشاعه ایده‌ها و اندیشه‌های تمامی انقلابات بوده است. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود. در انقلاب اسلامی ایران استفاده از ابزار نظامی همواره از سوی رهبر انقلاب و همچنین دیگر مسئولان جمهوری اسلامی نفی و بر صدور صلح‌آمیز انقلاب اسلامی تأکید شده است. امام خمینی (ره) در این زمینه فرموده‌اند:

صدور انقلاب صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمینهای دیگران نیست... صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است؛ صدور ارزشهایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلتهای انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار و حمایت از مستضعفان. (نقل از: باریان، ۱۳۸۷، ص ۵۷)

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در سال ۱۳۶۳ در این زمینه فرمودند: «صدور انقلاب به معنی صدور مفاهیم انقلاب است که جز با حضور ما در میدان سیاست جهانی ممکن نیست» (همان، ص ۵۶). از بیانات رهبران جمهوری اسلامی ایران برداشت می‌شود که صدور انقلاب نیاز و ضرورتی برای انقلاب اسلامی بوده و مقصود از صدور انقلاب، صدور احساس همبستگی، روحیه و شور انقلابی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی آن بوده است.

جمهوری اسلامی ایران بیشتر به سه نوع از ابزار صلح‌آمیز در صدور انقلاب توجه داشته و از آنها استفاده کرده است که عبارتند از: الگوسازی، تبلیغ و حمایت.

۱. الگوسازی: ابزار الگوسازی در انقلاب اسلامی ایران با توجه به ماهیت و اصول انقلاب، دو رویکرد مکمل و همزمان به دنبال داشته است. جمهوری اسلامی ایران برای این منظور دو رویکرد اسلامی کردن جامعه و رویکرد توسعه و پیشرفت کشور را در نظر داشته است.

الگوسازی یکی از مهم‌ترین ابزارهای صدور انقلاب اسلامی ایران بوده است. مقامات حزب‌الله لبنان، همواره از نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک الگو و سرمشق نام برده و سعی کرده‌اند از تجربیات جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند. بسیاری از

سازمانهای حزب الله لبنان نظیر کمیته امداد، بنیاد شهید، جهاد سازندگی و... با الگوبرداری از سازمانهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده‌اند. همچنین فرهنگ شهادت‌طلبی در مبارزه با رژیم صهیونیستی نیز با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ شهادت در جنگ تحمیلی بوده است.

۲. **تبلیغ:** جمهوری اسلامی ایران برای تبلیغ اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی در میان

مسلمانان جهان، به ویژه شیعیان لبنان، از روشهای ذیل استفاده کرده است:

✓ ایجاد نهادهای مختلف جهت صدور انقلاب اسلامی: پس از انقلاب اسلامی چندین نهاد با هدف صدور ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران تشکیل شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد اندیشه، بنیاد فارابی و شبکه‌های رادیو و تلویزیونی بین‌المللی.

✓ **فعالیت‌های رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران:** از مهم‌ترین فعالیت‌های رایزنی فرهنگی می‌توان به ایجاد ارتباط با روشنفکران، استادان دانشگاه، علمای مذهبی لبنان، حزب الله، مراکز انتشاراتی و کتابخانه‌ها و همچنین برگزاری سمینارهای علمی و فرهنگی، فستیوالها، جشنواره‌های هنری و نمایشگاه‌های کتاب اشاره کرد.

✓ **اعزام هیئتهای نمایندگی و پذیرش دانشجویان و طلاب:** در طول حیات جمهوری اسلامی ایران، هیئتهای مختلفی جهت تبلیغ و ترویج اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی برای لبنانی‌ها به ویژه شیعیان آن به لبنان رفته‌اند. اعزام هیئتها و نمایندگی‌های مختلف به میان شیعیان لبنان و حزب الله جهت اشاعه و پخش ایده‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی نیز نمونه‌ای از پخش جابجایی محسوب می‌شود. علاوه بر اعزام هیئتها، جمهوری اسلامی ایران همواره پذیرای صدها دانشجو و طلبه لبنانی بوده است. حضور این دانشجویان و طلبه‌های جوان شیعه لبنانی در فضای جمهوری اسلامی ایران، عنصر تبلیغی مناسبی برای انقلاب اسلامی بوده است. در واقع؛ فرض بر این بوده که این افراد با پذیرش نوآوری

انقلاب اسلامی و بازگشت به کشور خود، به گونه‌ای سلسله‌مراتبی - با توجه نخبه بودن و قدرت تأثیرگذاری بیشتر - عامل پخش ایده‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی می‌شوند.

۷ **برگزاری کنگره‌ها و کنفرانسهای بین‌المللی:** جمهوری اسلامی ایران کنفرانسها و سمینارهای زیادی را برگزار کرده که در بسیاری از آنها همواره نمایندگان از حزب‌الله لبنان حضور داشته‌اند. این نمایندگان که عمدتاً از اندیشمندان و فعالان سیاسی شیعیان لبنان بوده‌اند، نقش مهمی در انتقال افکار و اصول انقلابی جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. مهم‌ترین این کنفرانسها و سمینارها عبارتند از: کنفرانسهای بزرگداشت روز قدس، برپایی سمینارهای جنبش آزادی‌بخش، کنفرانسهای حج و حج برائت، برپایی مراسم هفته وحدت و برپایی کنفرانس اندیشه اسلامی. (ر.ک.به: حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۶۹)

برگزاری کنگره‌ها و کنفرانسهای فوق و دعوت از اندیشمندان شیعیان لبنان نیز به دلیل نخبه بودن اندیشمندان و تأثیر عمیق و بنیادی این افراد بر مردم، نمونه‌ای از پخش سلسله‌مراتبی محسوب می‌شود.

۳. **حمایت:** پس از انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی، حمایت از حزب‌الله لبنان یکی از پایه‌های ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. جمهوری اسلامی سه گونه حمایت از حزب‌الله لبنان به عمل آورده که عبارتند از: حمایت آموزشی، حمایت سیاسی و معنوی و حمایت مالی. حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله لبنان نمونه کاملی از نوع پخش جابجایی محسوب می‌شود که در ذیل به بحث و بررسی آنها می‌پردازیم.

- **حمایت آموزشی:** جمهوری اسلامی ایران با هدف صادر کردن انقلاب اسلامی در مرحله نخست سعی کرد تا اندیشه‌های اسلامی امام خمینی (ره) را از طریق نهادهای شیعی موجود در لبنان، نظیر جنبش امل، تبلیغ و ترویج کند. ولی با وجود سیاستهای غیر مذهبی و محافظه کارانه جنبش امل به رهبری نبیه بری، این امر ممکن نشد (غریب، ۱۳۸۴، ص ۲۷).

تهاجم صهیونیستها به لبنان در سال ۱۹۸۲ که چند هفته پس از فتح خرمشهر بود، باعث شد که نیروهای ایرانی خواهان حضور در لبنان و کمک به لبنان به ویژه شیعیان آن شوند. بر این اساس با موافقت سوریه، اولین گروه از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متشکل از تیپ محمد رسول‌الله (ص) به فرماندهی حاج احمد متوسلیان^۱ در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۳/۲۱)، شش روز پس از آغاز تهاجم نظامی صهیونیستها وارد دمشق پایتخت سوریه شدند (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۶۱) و از طریق خاک سوریه به لبنان رفتند.

بدین ترتیب ۱۵۰۰ تن از پاسداران انقلاب اسلامی با کمک علی اکبر محتشمی سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در دمشق، وارد بعلبک در دره بقاع شدند. ورود پاسداران انقلاب اسلامی به لبنان به دلیل آنکه مقارن و همزمان با تهاجم صهیونیستها به لبنان بود و اغلب توجّهات روزنامه‌نگاران و رسانه‌های غربی معطوف به فعالیت‌های صهیونیستها شده بود، توجّهات را به خود جلب نکرد و هیاهوی سیاسی ایجاد نکرد. (Jaber, op cit, p.107)

پاسداران انقلاب اسلامی در بقاع، اردوگاه‌های آموزشی ایجاد کردند و نیروهایی از جوانان را که بعدها هسته اصلی حزب‌الله را تشکیل دادند، برای برنامه‌های آموزشی نظامی جذب کردند. همچنین گروه‌هایی را سازمان دادند تا در روستاهای دره بقاع، اصول و نظریه‌های امام خمینی (ره) را تبلیغ و ترویج کنند. (Ibid, p.107-108)

در طول حیات حزب‌الله لبنان نیز بسیاری از مقامات و نیروهای حزب‌الله در دانشگاهها و حوزه‌های علمی ایران مشغول تحصیل بوده و در واقع؛ در جمهوری اسلامی ایران آموزش دیده‌اند. همچنین رهبران حزب‌الله طی سه دهه اخیر از مشاوره‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسائل مهم سیاسی و بین‌المللی برخوردار بوده‌اند.

- **حمایت سیاسی و معنوی:** جمهوری اسلامی ایران همواره از تمامیت ارضی لبنان

۱. در روز چهاردهم تیر ۱۳۶۱، حاج احمد متوسلیان به همراه سیدمحسن موسوی کاردار وقت ایران در بیروت، کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و تقی رستگارمقدم به منظور بررسی وضعیت امنیتی در بیروت عازم این شهر شدند. اما در جاده طرابلس - بیروت در پست بازرسی نیروهای شبه‌نظامی مسیحی (فالانژیستها) اسیر شدند. از آن تاریخ تاکنون هیچ اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نیست؛ هر چند که قرائنی دال بر زنده بودن و اسارت آنان در زندانهای رژیم صهیونیستی وجود دارد.

حمایت و تجاوزها و اشغال نظامی جنوب لبنان توسط صهیونیستها را محکوم کرده است. همچنین جمهوری اسلامی خود را ملزم می‌دانسته که از حزب‌الله لبنان حمایت کند. جمهوری اسلامی ایران در کنار سوریه، همواره از مقاومت اسلامی و حزب‌الله در جریان مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی حمایت کرده است. باید اشاره کرد که اگر مواضع قاطع این دو کشور به ویژه حمایت‌های آنها به هنگام تجاوزهای صهیونیستها به لبنان نبود، یا اگر در طول مذاکرات منطقه‌ای یا بین‌المللی که پس از این تجاوزها برگزار می‌شد، سوریه و ایران از مقاومت حمایت نمی‌کردند، به طور قطع مقاومت در محاصره دشمن قرار می‌گرفت و یکی از عناصر اصلی برای تداوم موفقیتش را از دست می‌داد (عتریبسی، ۱۳۸۰، ص ۴۴). همچنین حمایت‌های ایران (به ویژه حمایت‌های سیاسی و معنوی) در صحنه بین‌المللی به فعالیت‌های حزب‌الله مشروعیت بخشیده است.

جمهوری اسلامی ایران همواره از مسئولان مقاومت اسلامی جهت حضور در ایران و استفاده از مشاوره‌های ایران دعوت کرده است. همچنین باید گفت که حزب‌الله لبنان معتقد به ولایت فقیه بوده و پس از امام خمینی (ره) نیز آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران را به عنوان ولی فقیه و مرجع تقلید خود برگزیده و همواره از رهنمودها و حمایت‌های ایشان استفاده کرده‌اند. سیدحسن نصرالله در این زمینه می‌گوید:

توانمندی حزب‌الله که آن را در میان تمامی گروه‌های لبنانی برجسته و سرآمد کرده است و باعث حفظ انسجام و یکپارچگی آن شده، پیروی از ولایت فقیه است. ما کاملاً مطیع رهبری و مقام ولایت فقیه هستیم و هرچه ایشان بفرمایند، ما عمل می‌کنیم. ایشان مرجع حل اختلافات داخلی احتمالی ما هستند. (نقل از: سلیمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶)

- **حمایت مالی:** جمهوری اسلامی ایران همواره به شیعیان محروم و تحت ستم لبنان و همچنین مقاومت اسلامی که در حزب‌الله لبنان تجلی یافته، کمک مالی کرده است. جمهوری اسلامی ایران به ایجاد مؤسسات خدماتی عمده حزب‌الله نظیر بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی (ره) و جهاد سازندگی کمک مالی کرده و همچنین در ساخت مدارس، مساجد، درمانگاهها و بیمارستانها به حزب‌الله لبنان کمک کرده است. (میرباقری، ۱۳۸۲، ص ۸۷-۸۵)

بنابر این اگر پشتیبانی سیاسی، مالی و لجستیکی جمهوری اسلامی ایران نبود، قدرت نظامی و تکامل سازمانی مهم‌ترین حزب شیعه لبنان به تعویق می‌افتاد و با مانع رو به رو می‌شد. چنان که خود حزب‌الله محاسبه کرده است، اگر حمایت و کمک ایران نمی‌بود، پنجاه سال طول می‌کشید تا به موفقیت‌های کنونی دست یابد. (غریب، ۱۳۸۴، ص ۲۷)

سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان، در خصوص برخورداری از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران می‌گوید:

ما علاوه بر برخورداری از حمایت‌های سیاسی، تبلیغاتی و روانی جمهوری اسلامی ایران، از پشتیبانی‌های مالی این کشور در راستای اهداف مقدّس‌مان (مبارزه با اشغالگران صهیونیستی و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان) بهره‌مند می‌شویم و این مسئله را ما قبلاً هم اعلام کردیم. (نقل از: سلیمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶)

موانع پخش و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان

در مورد پخش و تأثیرگذاری ایده‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان همانند پخش انقلابات بزرگ جهان، موانع و سدهایی وجود داشته است. این موانع تراوش و پخش سعی داشته‌اند از شدت و میزان تأثیرگذاری ایده‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بر حزب‌الله لبنان بکاهند. از مهم‌ترین موانع تراوش و پخش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱. فعالیتها و اقدامات رژیم صهیونیستی در لبنان:** مقامات صهیونیست از آموزه‌های ضد صهیونیستی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به شدت احساس خطر کرده، سعی نمودند با اقداماتی نظیر تهاجم نظامی و تشکیل ارتش جنوب لبنان، از پخش و تأثیرگذاری آموزه‌های آن در حزب‌الله جلوگیری کنند.
- ۲. فعالیت‌های احزاب راست‌گرای مسیحی، بسیاری از احزاب اهل سنت و دروزی‌ها و همچنین حمایت‌های خارجی از آنان:** احزاب مسیحی و اهل سنت که بیشترین قدرت را در لبنان در اختیار داشتند و همچنین دروزی‌ها که از قدرت یافتن حزب‌الله هراس داشتند،

با فعالیتهای و اقدامات خود سعی داشتند از اشاعه آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در حزب الله لبنان جلوگیری کنند. کشورهای غربی نظیر آمریکا و فرانسه و همچنین کشورهای عربی نظیر مصر و عربستان نیز با حمایت‌های مالی از احزاب لبنانی و تبلیغات بر ضد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، سعی داشتند از اشاعه انقلاب اسلامی جلوگیری کنند.

۳. فعالیتهای جنبش امل: جنبش شیعی مذهب محافظه کار و سکولار امل به رهبری نبیه بری که معتقد بود آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند در جامعه چند طایفه‌ای لبنان کاربرد داشته باشد، با فعالیتهای خود سعی داشت مانعی برای تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان و هواداران حزب الله باشد.

۴. تفاوت‌های زبانی میان شیعیان لبنان و ایرانیان: طبق نظریه پخش، تفاوت زبانی می‌تواند مانعی برای تراوش و اشاعه انقلاب باشد. در مورد اشاعه و پخش آموزه‌های انقلاب اسلامی در میان شیعیان لبنان، تفاوت زبانی به طور بالقوه مانعی برای تراوش و اشاعه بوده است. به ویژه این تفاوت زبانی با تبلیغات عرب‌گرایی کشورهای عربی و احزاب لبنانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. به همین دلیل، برخی از متون انقلابی ایران به ویژه تألیفات امام خمینی (ره) به زبان عربی ترجمه شده و در اختیار شیعیان لبنانی به ویژه طرفداران حزب الله قرار گرفته بود. در مورد این تفاوت زبانی باید گفت که به دلیل اشتراکات مذهبی و فرهنگی عمیق ایرانیان با شیعیان لبنان، نمی‌توانست مانع بسیار مهم و تأثیر گذاری در پخش و اشاعه و تأثیر گذاری باشد.

تأثیرات انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر حزب الله لبنان

بدون تردید مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر لبنان و شیعیان آن، تأسیس و تشکیل حزب الله بوده است. پس از انقلاب اسلامی، در میان شیعیان لبنان عطش همگانی جهت همراهی و همگامی با انقلاب اسلامی ایجاد شده بود و آنها می‌خواستند از الگوی انقلاب اسلامی در جامعه خود استفاده کنند. اسلام‌گرایان لبنان در

چارچوبها و نهادهای موجود خود، چگونگی خیزش و همگامی با مقتضیات مرحله نوین در لبنان و استفاده از تجربه ایران و انفجار نور تازه در آن را میان یکدیگر مورد بررسی و تبادل نظر قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که چارچوبهای تشکیلاتی موجود برای فعالیت آنان، اهداف و آرمانهای مورد نظر را برآورده نمی کند و قابلیت و ساز و کار درونی لازم را برای اصلاح و ایجاد تغییر و رشد و تکامل ندارد. (قاسم، ۱۳۸۳، ص ۲۵)

در چنین فضایی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله و زمینه را برای ایجاد تشکیلات جدیدی میان شیعیان مهیا کرد. اولین مقاومت هم در مقابل ارتش صهیونیستها در منطقه خلده توسط تعدادی از جوانان مذهبی شیعه که تحت تأثیر ایده‌های انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بودند صورت گرفت. این افراد خود را «یاران خمینی» معرفی کرده بودند (فضل‌الله، ۱۹۹۸، ص ۵۶). پس از این تهاجم، سه عامل ضرورت مقابله با صهیونیستها، اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از امام خمینی (ره) و ضرورت ایجاد تشکیلات جدید، باعث شد که گروههای متفرق اسلامی نظیر تجمع علمای بقاء، کمیته‌های اسلامی و جنبش امل اسلامی با کمک و راهنمایی‌های علی اکبر محتشمی سفیر وقت جمهوری اسلامی در دمشق، در بعلبک جمع شدند و با تأیید و موافقت امام خمینی (ره) تشکیلات جدیدی را به وجود آوردند که در سال ۱۹۸۴ حزب الله نام گرفت. اندیشه‌ها و اصول انقلاب اسلامی ایران در دیدگاههای رهبران حزب الله و همچنین در مانیفست سیاسی حزب الله - نامه سرگشاده حزب الله در سال ۱۹۸۵ - به وضوح دیده می شود. مسئولان و رهبران حزب الله همواره موفقیت‌های خود را در طول حیات سه دهه‌ای ناشی از برکت و حمایت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران و استفاده از رهنمودهای امام خمینی (ره) و جانشین وی آیت الله خامنه‌ای دانسته و بر آن تأکید ورزیده‌اند. تأثیرپذیری حزب الله لبنان از انقلاب اسلامی ایران به اندازه‌ای زیاد بود که در برخی محافل داخلی لبنان و همچنین در برخی از رسانه‌های جهان، از حزب الله به عنوان یک «حزب ایرانی» یاد می شود و همیشه به حزب الله و رهبران آن این اتهام وارد می شده که مطیع و آلت دست جمهوری اسلامی ایران و همچنین تأمین کننده منافع ملی ایران هستند تا منافع ملی لبنان؛

در حالی که واقع امر این گونه نیست و حزب الله با وجود داشتن اشتراکات بسیار با جمهوری اسلامی ایران، استقلال خود را در امور داخلی لبنان حفظ کرده است. رهبران و اعضای حزب الله به تأثیر انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر صحنه سیاسی لبنان و به خصوص بر شیعیان این کشور اذعان دارند و با افتخار از آن یاد می کنند. سیدحسن نصرالله در زمینه تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان می گوید:

... در سالهای گذشته شیعیان لبنان حتی مسلمان هم به حساب نمی آمدند.

پست ترین شغلها مربوط به شیعیان بود. شیعیان از نظر جایگاه اجتماعی در پایین جدول قرار داشتند. ولی شیعیان امروزه به حضور و قدرت حزب الله، شریف، عزیز و قوی هستند. شیعیان در لبنان بسیار تأثیرگذار و جزء تصمیم گیرندگان اصلی هستند و همه اینها به برکت کمک و حمایت انقلاب اسلامی ایران است. (نقل از: سلیمانی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۴)

مهم ترین مصادیق تأثیرپذیری حزب الله از آموزه های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران (اسداللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴) عبارتند از:

۱. ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره): مهم ترین و اصلی ترین حلقه اتصال و ارتباط میان حزب الله لبنان و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) است. از هنگام پیدایش حزب الله تاکنون، مفهوم و نقش ولایت فقیه جزء جدایی ناپذیر مبانی فکری و عملی حزب الله بوده است. در دیدگاه حزب الله لبنان، حوزه سلطه سیاسی - اجرایی ولی فقیه نمی تواند به کشور ایران محدود و منحصر باشد که تنها دولت اسلامی شیعی در جهان است؛ زیرا ولی فقیه می باید بر شیعیان مؤمن تابع دولتهای دیگر نیز سلطه سیاسی داشته باشد و اگر چه انقلاب اسلامی با ایران پیوند خورده و در آنجا شروع شده، ولی به آن کشور منحصر نشده است؛ زیرا امام خمینی (ره) روح انقلابی امت اسلام را نخست در ایران زنده ساخت و از آنجا به چهار گوشه جهان اسلام گسترش یافت. سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان «ولی فقیه را استمرار دهنده رسالت پیامبر (ص) پس از رحلت آن حضرت

می‌داند» و «امام خمینی را امام حسین عصر و شخصیتی مقدّس از سلالهٔ پیامبر(ص)» توصیف می‌کند. (نقل از: غریب، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳)

۲. فرهنگ سیاسی: واژه‌ها و اصطلاحات موجود در فرهنگ سیاسی حزب‌الله لبنان، اکثراً متأثر و برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. یکی از مفاهیم اساسی و محوری در فرهنگ سیاسی حزب‌الله لبنان، تقسیم جهان بر حسب نظر امام خمینی (ره) به دو گروه مستکبران و مستضعفان است. این تقسیم دوگانه محور اصلی اندیشهٔ سیاسی حزب‌الله است تا آنجا که در سخنرانی‌های همهٔ مسئولان و رهبران حزب به آن اشاره می‌شود. افزون بر این، نامهٔ سرگشادهٔ ۱۹۸۵ و برنامهٔ انتخاباتی حزب‌الله در سال ۱۹۹۲ هر دو خطاب به مستضعفان بود. (همان، ص ۳۹)

در فرهنگ سیاسی حزب‌الله لبنان به تبع فرهنگ سیاسی و گفتمان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، به مسلمانان و سایر ملل مظلوم و تحت ستم جهان به دید «مستضعفان» و از آمریکا و شوروی به عنوان استکبار جهانی یاد می‌شود. انتخاب عنوان «حزب‌الله» نیز در عین حال که برگرفته از آیات ۲۲ و ۵۶ سورهٔ مائده در قرآن کریم است، از فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب نشئت گرفته است. (اسداللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵)

علاوه بر موارد فوق، عباراتی نظیر «اسرائیل غدهٔ سرطانی است»، «صهیونیسم ستیزی»، «آزادی قدس»، «روز قدس»، «ولایت فقیه» و... متأثر از فرهنگ انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی و سخنان امام خمینی (ره) است.

۳. محوریت روحانیت در عمل سیاسی: از همان آغاز تشکیل و حرکت حزب‌الله، روحانیت نقش بسیار مهمی در آن داشته است. در ایجاد تشکیلات حزب‌الله روحانیونی نظیر سید عباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ حسین کورانی، سید حسن نصرالله، شیخ محمد یزیک، شیخ عقیف نابلسی و سید ابراهیم الامین نقش اساسی ایفا کردند. (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۶۹)

از ابتدای تأسیس حزب‌الله تاکنون نیز همواره اکثر اعضای شورای حزب‌الله را

روحانیون تشکیل می‌داده‌اند و ریاست شوراهای مهم حزب‌الله همچون «شورای اجرایی یا شورای جهادی» همواره بر عهدهٔ یک روحانی بوده است. همچنین سخنگو، دبیر کل و معاون دبیر کل حزب‌الله همیشه از میان روحانیون انتخاب شده است. (همان، ص ۱۷۷)

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از طلبه‌های لبنانی در نجف تحصیل می‌کردند. آنها در آنجا با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در مورد دیانت و سیاست، حکومت دینی و نظریهٔ ولایت فقیه آشنا شده بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روحانیون لبنانی با مشاهدهٔ حضور مؤثر روحانیت در انقلاب اسلامی و همچنین حضور روحانیون در سیاست و حکومت ایران پس از انقلاب و همچنین تحت تأثیر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) به سمت مسائل سیاسی کشیده شدند و با تأسیس و تشکیل حزب‌الله به فعالیت سیاسی - اجتماعی پرداختند و در رأس جنبش حزب‌الله قرار گرفتند. جایگاه ویژهٔ روحانیون در حزب‌الله به نفوذ روزافزون این حزب در میان شیعیان لبنان انجامید. گسترش نفوذ روحانیون شیعه در لبنان (نسبت به سالهای قبل از دههٔ ۱۹۸۰) یکی از تأثیرات انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر شیعیان لبنان است.

۴. روشهای تبلیغاتی: روشها و شیوه‌های تبلیغاتی مورد استفادهٔ حزب‌الله، کاملاً متأثر از شیوه‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بوده است. «مسجد» همان گونه که در حرکت انقلابی مردم ایران نقش مهمی ایفا کرد و ترویج اصول، آموزه‌ها و آرمانهای انقلاب اسلامی و همچنین بسیج مردم از طریق این نهاد مهم اسلامی انجام می‌شد، در فعالیتهای حزب‌الله لبنان نیز چنین جایگاهی یافت. حزب‌الله به ویژه در اولین سالهای تشکیل خود که فاقد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بود، از طریق خطابه و سخنرانی در مساجد با مردم ارتباط داشت و پیامهای سیاسی و اجتماعی خود را به مردم می‌رساند و آنان را برای اهداف خود بسیج می‌کرد.

همچنین حزب‌الله از هنگام اعلام موجودیت خود تا کنون، همواره در مناسبتهای دینی و سیاسی همچون: روز عاشورا یا روز جهانی قدس و نیز در مراسم تشییع پیکر شهدا با برپایی تظاهرات گستردهٔ مردمی، قدرت و پشتوانهٔ مردمی خود را نشان می‌دهد. تا قبل از

پیدایش حزب‌الله در لبنان چنین تظاهرات گسترده‌ای وجود نداشت. این تظاهرات گسترده مردمی در روزهای خاص، یکی از نمودها و مصادیق مهم تأثیرپذیری حزب‌الله از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران است. (همان، ص ۱۸۷-۱۸۶)

۵. **نمادگرایی شیعه:** یکی دیگر از جلوه‌های تأثیرپذیری حزب‌الله لبنان از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، استفاده از سمبلها و نمادهای مذهب تشیع برای انتقال مناسب و موفق پیامهای انقلابی به مردم است. حزب‌الله لبنان برای انتقال پیامهای مربوط به جهاد، شهادت، مقاومت و استقامت و تحمّل مشکلات، از نمادهایی همچون: «شهادت»، «عاشورا و شهادت امام حسین (ع)»، «جنگهای پیامبر (ص) و علی (ع)»، «عدالت علوی»، «ظهور مهدی موعود (عج)» و... استفاده می‌کند. (همان، ص ۱۸۸-۱۸۷)

۶. **مبارزه حزب‌الله با رژیم صهیونیستی:** پس از تهاجم صهیونیستها به لبنان (۱۹۸۲) که منجر به خالی شدن صحنه جنوب لبنان از مقاومت فلسطین شده بود و همچنین به دلیل گرایش جنبش امل از نظامی‌گری به مسائل سیاسی، صحنه مبارزه با صهیونیستها خالی مانده و هیچ گروهی انگیزه کافی جهت مبارزه را نداشت. در چنین شرایط سختی، تنها عاملی که می‌توانست این ضعف و ناامیدی را از مردم لبنان به ویژه شیعیان جنوب و بیروت بزدايد، بروز یک اعتقاد عمیق مذهبی و توجه به خدا بود که به طور قطع می‌بایست از یک نفس پاک و قابل اعتماد سرچشمه می‌گرفت. انگیزه اساسی این اعتقاد در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به وجود آمده بود و فقط نیاز به اجابت داشت تا بتواند در بین شیعیان محروم لبنان شعله اعتقادی و عاشورایی را زنده کند. (میرباقری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵-۱۳۴)

از آن پس، مقاومت اسلامی، شاخه نظامی حزب‌الله، در خط مقدم نبرد با صهیونیستها بوده است. فرهنگ شهادت و روحیه شهادت طلبانه از تأثیرات مهم انقلاب اسلامی بر مقاومت اسلامی لبنان بوده که در نبرد با صهیونیستها کارایی بسیار بالایی داشته است. مقاومت اسلامی و حزب‌الله، همواره در مقابل ارتش کاملاً مجهز صهیونیستها مقاومت کرده و به کارآمدترین و مؤثرترین دشمن آنان بدل شده است. آنان در چندین جنگ

موفق شدند با فشارهای عملیاتی به ارتش صهیونیستها، آنها را وادار به عقب‌نشینی از مناطق صور، صیدا و نبطیه کنند. این اولین پیروزی و موفقیت مقاومت اسلامی بود که در سال ۱۹۸۵ صورت گرفت و صهیونیستها تا پشت کمر بند امنیتی عقب‌نشینی کردند. حزب الله لبنان و مقاومت اسلامی در جنگهای ۱۹۹۳، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۶ نیز به خوبی در مقابل صهیونیستها مقاومت کردند و توانستند تلفات انسانی زیادی بر ارتش این رژیم وارد سازند.

بدون تردید، بزرگ‌ترین پیروزی برای حزب الله و مقاومت اسلامی زمانی حاصل شد که در سال ۱۳۷۹/۲۰۰۰، رژیم غاصب صهیونیستی پس از ۲۲ سال تجاوز و اشغالگری، جنوب لبنان را ترک کرد. مسئولان و رهبران حزب الله، عقب‌نشینی صهیونیستها را ناشی از اندیشه‌های امام خمینی (ره) و اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی دانستند. در این زمینه، سید حسن نصرالله با صدور پیام تبریکی به محضر مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای، پیروزی مزبور را مرهون اندیشه و راه امام خمینی (ره) ذکر کرد و اعلام نمود: «این پیروزی فرزندان است که دل‌های آنها سرشار از عشق خمینی و خامنه‌ای است» (نقل از: گلی زواره، بی تا، ص ۴۹-۴۸)

بنابر این، مبارزه و مقاومت دائمی و همیشگی حزب الله در مقابل رژیم صهیونیستی و قدرتهای غربی، یکی از مهم‌ترین مصادیق تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر حزب الله لبنان است.

۷. حضور در رقابتهای انتخاباتی لبنان: ماهیت مواضع حزب الله نسبت به نظام سیاسی لبنان پس از پیمان طائف (۱۹۹۰) تحول و تغییرات چشمگیری یافته است. در دیدگاه حزب الله، نظام سیاسی پیش از پیمان طائف و دولت آن (دولت امین جمیل) نظامی وابسته به صهیونیستها بوده که وجود حزب الله را در معرض خطر قرار می‌داده و معیارهای رژیم ظالم را داشته و لازم بوده که با خشونت سیاسی یا انقلابی با آن برخورد شود. (سعد غریب، ۱۳۸۴، ص ۵۳)

حزب الله پس از پیمان طائف و پس از کسب اجازه از ولی فقیه، آیت الله خامنه‌ای،

جهت مشروعیت شرکت در انتخابات، در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ شرکت کرد و از آن پس، تحت تأثیر جمهوری اسلامی ایران و رهنمودهای رهبران آن، همواره در رقابتهای انتخاباتی پارلمانی، شوراهای شهر و روستا و شهرداریها حضور فعال داشته است.

۸. فعالیتهای اجتماعی و خدماتی حزب الله: حزب الله در کنار فعالیتهای سیاسی و

نظامی به فعالیتهای اجتماعی و خدماتی نیز اهتمام ورزیده است. در واقع؛ حزب الله تحت تأثیر خدمات اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، ارائه خدمات اجتماعی را وظیفه خود دانسته و مستقل از دولت، به تأسیس و تشکیل نهادهای اجتماعی و خدماتی متنوعی برای ارائه خدمات به مردم لبنان به ویژه شیعیان پرداخته است. نهادهای خدماتی و اجتماعی مهم حزب الله نظیر جهاد سازندگی لبنان، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، کمیته امداد امام خمینی (جمعیت یاری رسان خیریه اسلامی)، مؤسسه آموزشی و تربیتی اسلامی و...، تحت تأثیر نهادهای جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته اند.

نتیجه گیری

با وصف و تحلیلی که گذشت، مشخص شد که ایده ها و آموزه های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بیش و پیش از هر سرزمین و جامعه ای در میان شیعیان لبنان اشاعه و انتشار یافته و بر حزب الله لبنان تأثیر گذار بوده است. در واقع؛ شکل گیری و رشد و توسعه و همچنین اندیشه ها و اصول سیاسی و اجتماعی حزب الله، شدیداً تحت تأثیر آموزه ها و اندیشه های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. مهم ترین دلیل این تأثیر گذاری و تأثیر پذیری عظیم، محیط همگرا - پذیرای حزب الله با محیط جمهوری اسلامی ایران بوده که حزب الله را به محیطی مساعد و مستعد تأثیر پذیری از اندیشه های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی تبدیل کرده بود. علاوه بر این، اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای اثر گذاری تحت نام «صدور انقلاب» نیز کاملاً مؤثر بوده است. همچنین مشخص شد که مهم ترین موضوع پخش «اسلام سیاسی» بوده که با پیروزی انقلاب اسلامی و با اندیشه های امام خمینی (ره) قویاً مطرح و انجام شد و در میان شیعیان لبنان، به ویژه حزب الله لبنان اشاعه یافت.

نگارنده این مقاله معتقد بوده است که نظریهٔ پخش، توانایی تحلیل تأثیرات و همچنین چگونگی و چرایی تأثیرات آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران را در میان حزب‌الله لبنان دارد و بر اساس این نظریه سعی کرد این تأثیرات را بررسی کند. همچنین نگارنده بر این باور است که مسئلهٔ بازتاب و تأثیرات انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در جهان پس از انقلاب اسلامی، به ویژه در میان کشورهای اسلامی، نیاز به پژوهش علمی دارد و در واقع؛ یک ضرورت علمی است که متأسفانه تا کنون پژوهش‌های اندکی در این زمینه توسط محققان صورت گرفته است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود به این موضوع در پژوهش‌های علمی و دانشگاهی ارزش و اهمیت بیشتری داده شود.



منابع

۱. اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲)؛ «انقلاب ایران، چشم‌اندازی ده ساله»، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹)؛ *از مقاومت تا پیروزی*، تهران، اندیشه‌سازان نور.
۳. اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲)؛ *جنبش حزب‌الله لبنان: گذشته و حال*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. اصل رکن‌آبادی، غضنفر (۱۳۸۷)؛ «تهاجم ۱۶ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان: زمینه‌ها، اهداف و نتایج»، *روزنامه اطلاعات* (۱۶ اردیبهشت).
۵. المرت، جوزف (۱۳۶۸)؛ *تشیخ، مقاومت و انقلاب*، ترجمه اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی معاونت امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. باریان، سرگه (۱۳۸۷)؛ «صدور انقلاب با کدام رویکرد؟»، *شهروند امروز*، سال سوم، ش ۴۷ (یکشنبه ۲۹ اردیبهشت).
۷. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ «نظریهٔ پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، ش ۵ (بهار و تابستان).
۸. پانوف، میشل و میشل پارون (۱۳۶۸)؛ *فرهنگ مردم‌شناسی*، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران، ویس.
۹. مایکل جردن و آلبرت راونتري (۱۳۸۰)؛ *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
۱۰. جعفریان، رسول (۱۳۸۷)؛ «گزارشی از حوزهٔ علمی لبنان و تعامل آن با ایران»، *هفته‌نامه شهروند امروز*، سال سوم، ش ۴۸ (یکشنبه ۵ خرداد).
۱۱. چمران، مصطفی (۱۳۶۲)؛ *لبنان*، تهران، بنیاد شهید چمران.
۱۲. حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵)؛ *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

۱۳. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶)؛ **تضاد و توسعه**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. سلیمانی، محمدباقر (۱۳۷۹)؛ **بازیگران روند صلح خاورمیانه**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۱۵. سوید، محمود (۱۳۷۹)؛ **جنوب لبنان در رویارویی با صهیونیستها**، «پنجاه سال پایداری و مقاومت»، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی‌ها، بیروت، تهران، آمن.
۱۶. شراره، وضاح (۱۹۹۸)؛ **دوله حزب‌الله: مجتمعا اسلامیا، بیروت، دارالنهج**.
۱۷. شکوئی، حسین (۱۳۷۷)؛ **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**، تهران، گیتاشناسی.
۱۸. شکوئی، حسین (۱۳۶۴)؛ **جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی**، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۹. عترسی، طلال (۱۳۸۰)؛ «**مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی: نمونه لبنان**»، ترجمه اسماعیل اقبال، **فصلنامه مطالعات فلسطین (ویژه مقاومت اسلامی)**، سال دوم، ش ۳ (بهار).
۲۰. غریب، امل سعد (۱۳۸۴)؛ **دین و سیاست در حزب‌الله**، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، اندیشه‌سازان نور.
۲۱. فضل‌الله، حسن (۱۹۹۸)؛ **حرب الازادات**، بیروت، دارالهادی.
۲۲. قاسم، شیخ نعیم (۱۳۸۳)؛ **حزب‌الله لبنان: گذشته، خط مشی و آینده آن**، ترجمه محمد مهدی شریعتمداری، تهران، اطلاعات.
۲۳. کمالیان، محسن و علی‌اکبر رنجبر کرمانی (۱۳۷۷)؛ **عزت شیعه: گزارشی از مبارزات و مجاهدات آیت‌الله امام سید موسی صدر در احیای حرکت اسلامی لبنان**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۴. گلی زواره، غلامرضا (بی‌تا)؛ «**تروییت مبارزان در پرتو تعالیم امام خمینی: مبارزه شیعیان لبنان علیه رژیم اشغالگر قدس**»، **درسهایی از مکتب اسلام**، ش ۹ (۴۴).
۲۵. میرباقری، یزدان (۱۳۸۲)؛ **حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان (پیروزی حزب‌الله بر ارتش اسطوره‌ای)**، تهران، اندیشه‌سازان نور.

۲۶. نورتون، آگوستوس ریچارد (۱۳۸۲)؛ «لبنان: جدال داخلی و ارتباط با ایران»،
انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز
بازشناسی اسلام و ایران.

27. Jaber, Hala (1997). **HEZBCLLAH: Born With Vengeance**, New York, Columbia University.
28. Olmert, Joseph (1987). **The Shities of Lebanon**, in Martin Kramer(Ed), **Shiism, Resistance and Revolution**, Mansell publication.
29. Buheiri, M.R (1981). **Intellectual life in the Arab –East 1980-1939**, Beirut.
30. Shanahan, Rodger (2005). **The shi'a of Lebanon: Clans, Parties and Clerics**, London, New York, Tourist Academic Studies.

